

مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن و راهکارهای پیشگیری از آن (با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

محمد رضا زندی*

صالح اوجاقلو**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۸

چکیده

اسیدپاشی، یکی از فجیع‌ترین جرایم علیه اشخاص می‌باشد که ممکن است با انگیزه‌های انتقام‌جویانه، عشقی، سرقت و ... همراه باشد. لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶، این فعل را جرم‌انگاری نموده است. در خصوص نسخ یا عدم نسخ این قانون، برخی تصویب قانون مجازات اسلامی را نسخ این قانون محسوب نموده و برخی به دلیل خاص مقدم بودن این قانون همچنان آن را لازم‌الاجرا می‌دانند. این جرم می‌تواند قصاص، دیه، تعزیر و حد افساد فی الارض را به دنبال داشته باشد؛ ولی طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عنوان بغی یا محاربه را نمی‌توان بر آن متصوّر بود. در مورد شروع به جرم این فعل مجرمانه نیز به دلیل خاص مقدم بودن این قانون، می‌بایست همان میزان را مطرح‌نظر قرار داد؛ در عین حال، در کنار جرم‌انگاری این فعل مجرمانه، می‌بایست از تدابیر و تمهیدات پیشگیرانه‌ای همچون پیشگیری وضعی و اجتماعی استفاده کرد که به نظر می‌رسد کشور ما در این زمینه با توجه به آمارهای منتشر شده، فقیر می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسیدپاشی، شروع به اسیدپاشی، افساد فی الارض، بازداشت موقت.

*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Dr.z.cyber@gmail.com

**دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسؤول).

st_s_ojaghloou@azad.ac.ir

مقدمه

جرم، پدیده‌ای اجتماعی و جهانی است و تحت عناوینی همچون سرپیچی، سرکشی و رفتار انحرافی و ناپسند، با خلقت بشر آغاز شده است؛ لذا از دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متنوعی برای جرم ذکر شده است. تعریف قانونی و رسمی جرم بیانگر این نکته است که آنچه را دولت جرم بشناسد جرم است؛ بدین ترتیب، این تعریف، عملی را جرم محسوب می‌دارد که در قوانین جزایی بدان اشاره شده و در قالب تعیین کیفری خاص در ازای آن، مشمول ضمانت اجرای دولتی قرار گرفته است (وایت و هینز، ۱۳۸۵، ص ۴۱). پدیده‌ی جزایی یا جرم، مبتنی بر رفتاری است که از طرفی مخالف نظم اجتماعی است و از طرف دیگر باید این رفتار در قانون جزا پیش‌بینی شده و مستوجب کیفر قانونی باشد؛ بنابراین، تا وقتی که رفتار غیر عادی و زیان‌آور شخص به اجتماع، با متون قانونی منطبق نباشد مرتکب قابل تعقیب نیست (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

از نظر حقوق جزا، تعریف رسمی و قانونی جرم، ملاک اعتبار است و از این لحاظ، جرم به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که قانونگذار برای آن مجازاتی در نظر گرفته باشد و از طرف شخص مسؤول، ارتکاب یابد (کلارکسون، ۱۳۷۱، ص ۱۷). ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز اشعار می‌دارد: «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است» و ماده ۲ همین قانون نیز بیان می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود».

به موجب لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶، یکی از افعالی که قانونگذار کشور آن را جرم شناخته عمل اسیدپاشی است. اسیدپاشی، اصطلاح رایجی است که برای این جرم به کار می‌رود، ولی در واقع، هر نوع ماده سوزاننده‌ای می‌تواند برای انجام این جرم به کار رود و در بسیاری از موارد، فرد مجرم از مواد قلیایی برای این امر استفاده می‌کند. طبق یک تعریف کلی، پاشیدن عمدی اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر بر روی بدن اشخاص را اسیدپاشی گویند.

با نگاهی به پرونده‌های دادگاه‌های کیفری، اسیدپاشی معمولاً یک عمل انتقامی است که یک انسان از انسان دیگر می‌گیرد و می‌تواند علل مختلفی چون یک ناکامی عشقی،

مسائل ناموسی و خانوادگی، خواستگاری ناموفق، رابطه خارج از چارچوب ازدواج یا درخواست طلاق و ... داشته باشد. عواملی مثل فقر، وضعیت بد اجتماعی و اقتصادی و کلاهبرداری مالی هم از دیگر عوامل شایع می‌باشند. به نظر می‌رسد که اغلب این افراد سعی می‌کنند اسید را روی صورت افراد بپاشند تا قربانی، ظاهر و زیبایی خود را برای همیشه از دست بدهد. قربانیان اسیدپاشی، هر دو جنس زن و مرد را شامل می‌شوند، ولی بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، تعداد قربانیان مؤنث بیشتر از مذکر است (ماکرانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

اسیدپاشی، در کشورهایی که از نظر توسعه اجتماعی و اقتصادی در وضعیت خوبی نیستند و شکاف جنسیتی و خشونت علیه زنان و کودکان در آنها زیاد است، بسیار دیده می‌شود. اسیدپاشی، آسیب شدیدی به قربانی وارد می‌کند که معمولاً ماندگار است و علاوه بر آسیب‌های جسمی ماندگار مانند نابینایی، می‌تواند آسیب‌های روانی جدی مثل افسردگی، اختلال تنش‌زای پس از رویداد، اضطراب و حملات اضطرابی، اختلالات خوردن و حتی اعتیاد و خودکشی را به همراه داشته باشد.^۱

لذا بررسی ابعاد مختلف این جرم، از لحاظ اصول جرم‌شناختی و یافتن راهکارهای مقابله با آن، با توجه به آنچه که پیش‌تر گفته شد بسیار ضروری به نظر می‌رسد. گفتنی است که ایران در کنار کشورهایی مثل بنگلادش، هند، پاکستان، کامبوج، ویتنام، لائوس، هنگ‌کنگ، چین، بریتانیا، آفریقای جنوبی، اوگاندا، جامائیکا و اتیوپی، از جمله کشورهای است که این رفتار تهاجمی در آن بیشتر دیده می‌شود.

۱) علت‌شناسی ارتکاب جرم

جرم‌شناسی به عنوان علمی که به بررسی علل و عوامل مؤثر بر وقوع جرم یا به تعبیری به مطالعه علمی پدیده مجرمانه می‌پردازد، در طول حیات خویش، ادوار مختلفی را پشت سر نهاده و متناسب با تحولات فکری و اجتماعی، تغییرات چشمگیری یافته است. در یک تقسیم‌بندی کلی، جرم‌شناسی در صد ساله اخیر، سه رویکرد را تجربه کرده است: رویکرد نخست، که به «جرم‌شناسی گذار از اندیشه و طرح مجرمانه به عمل جنایی» مشهور شده، به دنبال علت‌شناسی تجربی جرم و مجرمیت فرد است. رویکرد دوم، در انتقاد

1- www.bbc.com/persian/science/2014/.../141019_acid_throwing.

اساسی به جرم‌شناسی و عدالت کیفری متأثر از آن، عمدتاً از اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح و به «جرم‌شناسی واکنش اجتماعی» مشهور شد. رویکرد سوّم، یعنی «جرم‌شناسی عمل مجرمانه»، با اعلام شکست سیاست‌های بازپروری بزهکاری و پیشگیری از جرم، فعل مجرمانه را بدون توجه به ویژگی‌های شخصیتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مرتکب آن مطالعه می‌کند (لازرز، ۱۳۹۰، ص ۵۱).

چگونگی رفتار و شخصیت افراد، بیشتر به چگونگی محیط اجتماعی، اقتصادی و تربیتی آنها بستگی دارد، هرچند که عوامل ژنتیکی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین، توجه به این واقعیت ضروری به نظر می‌رسد که جرم و جنایت یا به عبارت بهتر بیماری‌های اجتماعی، مانند بیماری‌های جسمی، مسری هستند و اگر قبل از ایجاد انگیزه وقوع جرم، به فکر اصلاح و از بین بردن علل ارتکاب جرم نیفتند ممکن است به دیگران نیز سرایت کند که عواقب سنگین و غیر قابل جبرانی در پی دارد، به صورتی که بر اثر ازدیاد جرم و جنایت، قدرت کنترل در جامعه هر روز ضعیف‌تر و به تبع آن بر مقدار مجرمین افزوده می‌گردد.

امروزه عوامل متعددی در ایجاد انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرایم نقش دارند که شناسایی و تحلیل و بررسی صحیح آنها ما را در راهیابی به پیشگیری یا عدم رشد آن در جامعه کمک زیادی خواهد نمود. از جمله عوامل مهم و اساسی که امروزه به عنوان عوامل اصلی ارتکاب جرم شناخته شده‌اند می‌توان به عوامل زیستی، عوامل روانی عاطفی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی اشاره کرد (دادستان، ۱۳۹۰، ص ۶۹). از جنبه روانی نیز یکی از پی‌آمدهای جرم، ترس است که در بین افراد از وقوع جرم به وجود می‌آید. از دهه ۱۹۶۰، ترس از جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی که به اندازه خود جرم اهمیت دارد مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات ترس از جرم، عموماً بر ویژگی‌های فردی و محیطی مبتنی است. پژوهشگران به تازگی مفاهیمی را پیرامون ترس از جرم ارائه کرده‌اند که تنوع فرضیه‌ها در تبیین این پدیده را نشان می‌دهد. یکی از این مفاهیم، قربانی شدن می‌باشد. بسیاری از مطالعات، از جمله بررسی‌های *اوانز*، *فلتچر* و

1- Evans.

2- Fletcher.

ماینز،^۱ رابطه مثبتی را بین خشونت فیزیکی و قربانی شدن غیر مستقیم، با ترس از جرم گزارش کرده‌اند. در این رابطه سیر،^۲ شافر^۳ و همکاران ایشان متوجه شدند که زنان و افراد مسن که احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند، ترس از جرم زیادتری را نیز نشان می‌دهند. از دیگر سو، در تحقیقی دیگر مشخص شد که به طور ثابت، احساس ناامنی و ترس از جرم در زنان سه برابر مردان است (کاوه، ۱۳۹۱، ص ۹۸).

۲) اسیدپاشی و عناصر تشکیل‌دهنده آن

۲-۱) عنصر قانونی جرم اسیدپاشی

معمولاً در رابطه با آسیب‌های اجتماعی، جرایم از لحاظ شدت جرم با هم متفاوتند و بعضی از جرایم به حدی شدت دارند که به جامعه ضربات جبران‌ناپذیری وارد می‌کنند و به نوعی موجب فرو ریختن امنیت در جامعه می‌شوند. وقتی که تبعات یک آسیب اجتماعی مثل اسیدپاشی در جامعه زیاد است باید برخورد هم زیاد شود. پس برخورد با پدیده اجتماعی مانند اسیدپاشی باید به شدت و بدون تعارف باشد؛ زیرا امنیت، آرامش و آسایش عمومی جامعه را که یکی از اصلی‌ترین اهداف حکومت محسوب می‌گردد نشانه گرفته است. مطابق ماده واحده لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید، «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی‌علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادگی عضوی از اعضا شود به حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگر شود به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد».

برخی چنین استدلال می‌کنند که در حقوق جزای اسلامی، مجازات اعدام تنها در حدود جای دارد و پیش‌بینی مجازات اعدام در ماده واحده، اماره‌ای است بر نسخ آن. نگارنده معتقد است که صرف بیان مجازات اعدام در این مورد نمی‌تواند موجب نسخ کل این قانون گردد و در کنار این که این قانون پابرجا است، حسب مورد می‌توان به دیگر

1- Mays.

2- Siehr.

3- Schafer.

قوانین همچون قانون مجازات اسلامی در باب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات رجوع کرد. در مقابل، برخی این قسمت از ماده را از باب فساد فی الارض دانسته و در نتیجه کماکان آن را قابل اجرا می‌دانند که با توجه به زمان تصویب این قانون، در خصوص این دکرین، تردیدی جدی وجود دارد.

۲-۲) عنصر مادی جرم اسیدپاشی

با توجه به تفسیر مضیق، مقنن با تصریح به فعل پاشیدن، مصادیق دیگر در این خصوص را اگرچه منتهی به همان نتایج مندرج در ماده واحده شوند از شمول این جرم خارج ساخته است. پس خوراندن یا تزریق آنها، از شمول ماده واحده خارج است. در عین حال، بر اساس تفسیر منطقی و غایی، نباید به منطوق واژه «پاشیدن» تسلیم محض بود؛ لذا می‌بایست اقداماتی مانند فرو کردن اعضای بدن مجنی‌علیه در اسید، یا ریختن اسید بر بدن او و ... را مترادف پاشیدن محسوب کرد و مشمول ماده فوق دانست؛ هرچند برخی حقوقدانان با توجه به این که مقتضای تفسیر قوانین کیفری، تفسیر در حد قدر متیقن و مسلّم متون قانونی است و بدون تردید توسعه مصادیق، بدون وجود نصی برای آنها، قابل پذیرش نخواهد بود و تنها در صورت وجود تصریح قانونی می‌توان موارد فوق را مشمول ماده دانست، معتقدند که خوراندن یا تزریق کردن اسید به بدن را، به دلیل عدم اطلاق واژه پاشیدن بر این اعمال، در بر نمی‌گیرد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۰۶). به نظر می‌رسد که چنین برداشتی با توجه به تفسیر فوق چندان صحیح نمی‌باشد و با روح قانون در تعارض است.

در ماده واحده مجازات قانونی اسیدپاشی، شرط است که وسیله ارتکاب این جرم، اسید یا ترکیبات شیمیایی مشابه باشد که نتیجه‌ای نسبتاً واحد را منتج می‌شود و برای پاشیدن ماده شیمیایی نیز استفاده از وسیله خاصی، در تحقق جرم شرط نمی‌باشد و هر آنچه را که بتوان بر آن اطلاق «پاشیدن» نمود می‌توان تحت شمول ماده دانست؛ هرچند اقدام مقنن در منحصر کردن تحقق جرم به «ترکیبات شیمیایی» قابل انتقاد است؛ زیرا با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، پاشیدن ترکیبات غیر شیمیایی را، هرچند منجر به صدماتی حتی شدیدتر از صدمات مذکور در ماده واحده شوند نمی‌توان تحت شمول آن دانست و بهتر آن بود که مقنن از عنوان کلی «ترکیبات شیمیایی و غیر شیمیایی» در متن قانون استفاده می‌کرد؛ هرچند به نظر می‌رسد با توجه به تفسیر غایی و تفسیر منطقی که ارجح به تفسیر مضیق می‌باشد بتوان هر ترکیب غیر شیمیایی دیگری را که نتیجه‌ای

مشابه با اسید دارد مشمول همین قانون دانست.

برخی حقوقدان‌ها، اقداماتی نظیر انداختن و فرو کردن اعضای بدن مجنی‌علیه در اسید و ریختن اسید بر روی او را نیز تحت شمول لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید دانسته‌اند. در این زمینه، هرچند با توجه به عدم تفاوت منطقی در ماهیت ریختن و پاشیدن و نیز تفسیر منطقی قانون، ریختن ماده شیمیایی را می‌توان ذیل عنوان «پاشیدن» و در نتیجه مشمول ماده دانست، اما شمول ماده، بر انداختن مجنی‌علیه در ماده شیمیایی و یا فرو کردن اعضای او در آن را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا مقتضای تفسیر قوانین کیفری، تفسیر در حدّ قدر متیقّن و مسلّم متون قانونی است و بدون تردید، توسعه مصادیق بدون وجود نصّی برای آنها قابل پذیرش نخواهد بود و تنها در صورت وجود تصریح قانونی می‌توان موارد فوق را مشمول ماده دانست که با توجه به فقدان چنین تصریحی، مرتکب در صورت وجود شرایط قصاص، حسب مورد به قصاص عضو و یا نفس محکوم خواهد شد (رحیمی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲).

به اعتقاد نگارنده، چنین تفسیر مضیق هرچند موافق با حال متهم می‌باشد ولی مخالف با نظم اجتماعی و تفسیر غایی است. عقل حکم می‌کند که امکان تشریح و بسط تمامی موارد و شرایط ارتکاب جرم در قانون امکان‌پذیر نمی‌باشد و گرنه نیاز بود که قانون مجازات اسلامی در چندین و چند جلد منتشر می‌شد. در این خصوص بهتر است به روح قانون، منظور مقنّن و تفسیر منطقی روی آورد؛ لذا موارد فوق می‌تواند در زمره جرم اسیدپاشی مطرح شود.

۲-۳) عنصر معنوی جرم اسیدپاشی

با توجه به قید «عمداً» در ماده واحده، تنها ارتکاب این جرم به صورت عمدی قابل تصور است و مواردی همچون شبه عمد و خطای محض، در این خصوص خروج موضوعی داشته و باید به قوانین عام مراجعه کرد. «عمد» عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانونگذار منع یا امر نموده است (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰).

با توجه به تعریف ارائه شده، در عمد یا قصد مجرمانه سه عامل وجود دارد: ۱- داشتن اراده (همان‌طور که بیان شد عنصر مشترک جرایم عمد و غیر عمد است)؛ ۲- خواستن عمل (قصد فعل)؛ ۳- خواستن نتیجه مجرمانه حاصل از عمل (قصد نتیجه) (افراسیابی،

۱۳۸۸، ص ۳۰۷.

با عنایت به ماده ۲۹۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ...»، ارتکاب جرم اسیدپاشی در چهار صورت، عمدی محسوب می‌گردد: نخست، در صورتی که مرتکب عامداً قصد ایراد جنایت توسط اسید را با شرایط پیش‌گفته بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین داشته باشد. فرضاً به صورت عامدانه بطری اسیدی را به طرف گروهی به قصد ایراد جنایت پرتاب کند و خواست او و نتیجه مجرمانه محقق گردد. دوم، هرگاه مرتکب قصد ارتکاب اسیدپاشی را نداشته ولی عمداً مرتکب عملی می‌شود که نوعاً موجب جنایت توسط اسید می‌گردد؛ مثلاً شخصی با علم به وجود سطلی از اسید، دست دیگری را عامداً داخل آن فرو کند ولی قصد ایراد جنایت را نداشته باشد. سوم آن که، مرتکب به عللی دیگر مانند وضعیت خاص مکانی، مرتکب جنایت می‌شود و به وضعیت خاص موجود، آگاه و متوجه باشد؛ مثلاً در هوایی طوفانی بطری اسیدی را در جهت بادی که به سمت نفری که در کنار او ایستاده به هوا پیاشد. چهارم، موردی که اسیدپاش، قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود؛ مثلاً در جمعیتی از کارگران که دست به اعتصاب زده‌اند کیسه‌ای از اسید را به میان آنها پرتاب کند (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱).

از دیگر سو، مطابق مفاد ماده ۲۹۳ ق.م.ا، هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی نشود نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه عمدی محسوب می‌شود؛ مانند آن که شخصی بر دست دیگری اسید پیاشد و به سبب آن، به بازو و کفت او سرایت کند و در نتیجه عمق جراحات، دست وی قطع گردد و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت، عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت، شبه عمدی است.

از سوی دیگر، بر اساس ماده ۲۹۴ ق.م.ا، اشتباه در هویت مجنی‌علیه نیز تأثیری در موضوع نخواهد داشت. اگر مرتکب، به قصد جنایت بر شخص الف، اقدام به پاشیدن ماده شیمیایی نموده و سپس معلوم شود که مجنی‌علیه شخص ب بوده است، تأثیری در مجازات مرتکب نخواهد داشت؛ البته در صورتی که شخصی غیر از شخص معینی که مرتکب قصد کرده صدمه ببیند، عمل مرتکب تنها در حدود مقررات مربوط به ضرب و

جرم غیر عمدی قابل رسیدگی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶). لذا با توجه به صراحت ماده واحده، صرف سوءنیت عام یا قصد فعل پاشیدن اسید بر مجنی علیه کافی است و سوءنیت خاص (قصد نتیجه) شرط نیست و این اعم است از آن که مرتکب جرم، نتیجه حاصله را خواهان بوده یا نبوده است؛ به علاوه، لازم است که مرتکب، به ماهیت وسیله ارتکاب جرم یعنی اسید یا ترکیبات شیمیایی دیگر نیز آگاه باشد تا بتوان او را عامد در پاشیدن اسید شناخت. لازم به ذکر است که عناصر مشددهای همچون ویژگی‌های مجنی علیه از نظر سن، جنس، سلامتی، بیماری، ضعف یا قوت نیز تأثیری در اعمال مجازات نخواهد داشت.

۳) شروع به جرم اسیدپاشی

مطابق ماده واحده فوق الذکر، مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص، حبس جنایی درجه ۲ از دو تا پنج سال است. از سوی دیگر، ماده ۱۲۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲، در خصوص شروع به جرم اشعار می‌دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند...». در عین حال مطابق مفاد ماده ۱۲۳ ق.م.ا، مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد. همچنین کسی که شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند، به اتهام شروع به آن جرم تعقیب نمی‌شود، لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد، به مجازات آن محکوم می‌شود. برخی از حقوقدانان معتقدند این ماده، شروع به جرم ماده واحده اسیدپاشی را نسخ ضمنی کرده است؛ هرچند نگارنده معتقد است که قانون خاص، چه مؤخر و چه مقدم باشد عام را تخصیص خواهد زد، مگر این که قرینه‌ای در میان باشد؛ لذا بر اساس منطوق این ماده واحده، مجازات شروع پاشیدن اسید به اشخاص، حبس مجرد از دو تا پنج سال است؛ لذا در این خصوص، قضات می‌بایست این ماده را در صدور حکم، مطمح نظر قرار دهند.

در همین خصوص می‌توان به نظریه شماره ۷/۹۲/۱۴۶۷ - ۹۲/۸/۶ اداره کل امور

۱- ر.ک: ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

حقوقی قوه قضائیه اشاره کرد که بر اساس آن، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مقام ایجاد نظمی خاص برای مجازات شروع به جرم بوده است و بر اساس ماده ۷۲۸ قانون مذکور، در خصوص لغو کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون، به نظر می‌رسد این اطلاق شامل کلیه قوانین خاص و عام باشد. لذا با لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کلیه مجازات‌های راجع به شروع به جرم، ملغی و مفاد ماده ۱۲۲ قانون مذکور لازم‌الرعایه خواهد بود.

همین استدلال را می‌توان در مورد ماده ۶۱۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵ نیز اعمال داشت. بر اساس ماده مذکور، هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد. به نظر می‌رسد این ماده، خاص می‌باشد و زمانی که قصد مرتکب احراز شود که همانا قتل می‌باشد، می‌بایست مطابق این ماده عمل کرد؛ هرچند نظر مخالفی هم وجود دارد و آن این است که این ماده توسط ماده پیشین نسخ ضمنی شده است (محمودی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

۴) مجازات‌های جرم اسیدپاشی

۴-۱) قصاص

قصاص، در لغت به معنی هر نوع دنباله‌روی و پی‌جویی نمودن، کین کشی، به مثل کشنده را کشتن، مجازات، عقاب، سزا، جبران و تلافی آمده است (گرجی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). قصاص، از نظر اصطلاحی به معنای تلافی و استیفای عینی جنایتی است که در قتل عمدی، قطع عضو و جرح عمدی، بر مجنی‌علیه وارد شده است، به شکلی که اثر به جای مانده از جنایت عیناً روی جانی اجرا شده و به دست آید. قصاص در جنایت قتل عمدی را قصاص نفس و قصاص در جنایات قطع عضو و جرح را قصاص عضو گویند (ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷۱). در قانون مجازات اسلامی، شرایط قصاص نفس در ماده ۳۰۱ و شرایط قصاص عضو در ماده ۳۹۳ آمده است.

بر اساس مفاد ماده ۱۴۰ ق.م.ا، مسؤولیت کیفری در قصاص، چه قصاص عضو و چه قصاص نفس، تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل؛ لذا اگر شخص اسیدپاش هنگام انجام این عمل، هر کدام از فاکتورهای مذکور را نداشته باشد، به قصاص محکوم نخواهد شد. این مورد، هم شامل قصاص عضو می‌شود و هم شامل قصاص نفس.

اگر شخصی عامداً مرتکب اسیدپاشی نسبت به شخص مجنون شود، مطابق ماده ۳۰۵ ق.م.ا، علاوه بر پرداخت دیه، به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات نیز محکوم می‌شود. همچنین ارتکاب اسیدپاشی در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر این که ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود جنایت، عمدی محسوب می‌گردد و با جمیع شرایط ذیل و عدم موانع، مستوجب قصاص خواهد بود.

۲-۴) دیه

دیه، در لغت به معنی پرداخت خون‌بها و عقل آمده است؛ چراکه با پرداخت آن، نزاع و اختلاف بین طرفین کنار گذاشته می‌شود. در اصطلاح حقوقی، دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایات تعیین شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱۹). دیه اصولاً در جنایات غیر عمدی وارد بر جسم و جان انسان تعلق می‌گیرد. در مورد جنایات عمدی اگرچه اصل اولیه بر قصاص است ولی در مواردی که امکان قصاص وجود ندارد یا شخص آسیب‌دیده، بر پرداخت دیه توافق نماید با شرایطی دیه پرداخت می‌شود.

بر اساس منطوق ماده ۴۴۸ ق.م.ا، «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد، مقرر شده است». در مواردی که دیه معین و مقدر وجود ندارد، دیه غیر مقدر با جلب نظر کارشناس با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده، ارش تعیین خواهد شد.^۱ در خصوص جرم اسیدپاشی، در جنایت عمدی که قصاص حسب مورد در آن جایز یا ممکن نیست، شرط لازم برای دریافت دیه، درخواست مجنی‌علیه یا ولی دم می‌باشد.

۱- ر.ک: ماده ۴۴۹ ق.م.ا.

۳-۴) تعزیر

بر اساس ماده ۱۸ ق.م.ا: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد...». فقها اعمال تعزیر را در مقابل ارتکاب محرمات شرعی، به طور کلی از اختیارات حاکم می‌دانند؛ لذا به تعزیری که با تبعیت از این قاعده عام، از سوی حاکم برای ارتکاب هر نوع محرمات شرعی در نظر گرفته شده و اعمال می‌گردد تعزیرات شرعی گفته می‌شود؛ بنابراین، حاکم می‌تواند به تعداد افعال و ترک فعل‌های حرام شرعی، تعزیر معین نماید.

اما در کنار این قاعده عام و کلی، برخی اعمال و رفتار حرام شرعی به صورت خاص در نصوص شرعی معرفی و برای مرتکبین این اعمال از سوی شارع مقدس، تعزیر (اعم از این که نوع و مقدار تعزیر مشخص شده یا نشده باشد) در نظر گرفته شده است که به این دسته از تعزیرات که دارای نص شرعی هستند «تعزیرات منصوص شرعی» گفته می‌شود و در عین حال، در صورتی تعزیر منصوص شرعی تلقی می‌شوند که مبتنی بر روایت مستند باشند و در غیر این صورت، صرفاً تعزیر شرعی محسوب می‌گردند (الحر العاملی، ۱۴۱۴ق، صص ۱۷۸ و ۱۷۹). با این استدلال مشخص می‌شود که با جمیع شرایط می‌توان این عمل ارتكابی را تعزیر غیر منصوص شرعی محسوب کرد.

در همین خصوص، بر اساس مفاد ماده ۶۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵، اگر کسی به وسیله عمل اسیدپاشی، مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس تعزیری از سه تا ده سال محکوم می‌نماید و اگر جرم دارای معاون باشد (مثل این که شخصی برای مرتکب جرم، اسید تهیه کند یا برای تسهیل ارتکاب عمل مجرمانه او دیدبانی دهد)، در این صورت او به حبس تعزیری از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. در همین مورد، در صورتی که عمل اسیدپاشی منجر به ضایعاتی شود که در ماده ۶۱۴ ق.م.ا به آن اشاره شده است، با توجه به تفسیر مضیق، می‌بایست بر اساس همین ماده، اعمال قانون نمود و بالطبع با توجه به مفهوم مخالف این ماده، اگر ضایعات و نتایج عمل اسیدپاشی غیر از موارد مذکور باشد، نمی‌توان به آن ترتیب اثر داد.

ماده فوق‌الذکر اشعار می‌دارد: «هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود».

مورد دیگری که می‌توان برای جرم اسیدپاشی متصور شد آن است که عده‌ای با یکدیگر داخل یک منازعه می‌شوند و در حین نزاع، شخص یا اشخاصی به سمت طرف دیگر نزاع، اسید می‌پاشند و در عین حال، به نتایج پیش‌بینی شده در ماده ۶۱۵ ق.م.ا. منتهی می‌گردد که این ماده اشعار می‌دارد: «هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند...». بنابراین، با جمیع شرایط فوق، در صورتی که شخصی حین نزاع، بر روی دیگری یا دیگران اسید بیاشد و منتهی به موارد مذکور در ماده شود، علاوه بر قصاص یا دیه، حسب مورد به مجازات‌های حبس فوق نیز محکوم می‌گردد.

۴-۴) حد

حد، در لغت به معنی مرز میان دو چیز، اندازه، عقوبت، جدا کردن چیزی از چیز دیگر، بازداشتن و پایان هر چیز و در اصطلاح فقه، عبارت از مجازات‌هایی است که در شرع برای بعضی از گناهان معین شده است. مقدار حد، شرعاً مشخص و معین است، بر خلاف تعزیر که تعیین مقدار آن به عهده قاضی واگذار گردیده است. این مجازات‌ها را از آن جهت حد گویند که جرایم را محدود می‌کنند؛ یعنی مانع از تکرار جرم هم در مورد مجرم و هم در مورد دیگران (به لحاظ عبرت) می‌شوند (صدرسیدجوادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). مطابق ماده ۱۵ ق.م.ا: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». در عین حال، بر اساس مفاد ماده ۲۱۷ ق.م.ا، در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد. در این مورد، نظر به این که در خصوص محاربه، مطابق مفاد ماده ۲۷۹ ق.م.ا، علاوه بر شرایط خاص این جرم، دست به اسلحه بردن ضروری است و با توجه به این که مصادیق سلاح را عرف مشخص می‌کند،

بدیهی است که اسید و مواد شیمیایی، از مصادیق اسلحه نبوده و درست به همین علت، بسیاری از حقوقدان‌ها اسیدپاشی را محاربه ندانسته‌اند؛ به عبارت بهتر، صرف خطرناک بودن وسیله به کار رفته، موجبی برای تحقق عنوان محاربه نخواهد بود.

مورد دیگری که یکی از نوآوری‌های مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز محسوب می‌گردد (و شاید چالش اصلی بسط و تفسیر در این خصوص با نگاهی به آیه ۳۳ سوره مائده باشد)، عنوان افساد فی الارض می‌باشد که در ماده ۲۸۶ این قانون جرم-انگاری شده است؛ هرچند به نظر می‌رسد که در خصوص مبانی شرعی آن نیز تردیدی جدی وجود دارد که در این مجال به دلیل گستردگی بحث، به آن پرداخته نخواهد شد.^۱ با توجه به منطوق ماده فوق، باید گفت که اسیدپاشی شامل این عنوان کلی نخواهد شد مگر به نتایج پیش‌بینی شده مقنن در این ماده، از جمله گستردگی عمل ارتكابی، اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده و ... منتج شود که احراز آن نیز توسط قضات محترم ضروری می‌باشد.

هر آنچه در خصوص محاربه، پیش‌تر گفته شد در خصوص جرم بغی نیز سازگار است؛ زیرا بر اساس ماده ۲۸۷ ق.م.ا، گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کنند باغی محسوب می‌شوند و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند. گذشته از این استدلال که با توجه به تاریخ تصویب این قانون (یعنی ۱۹ بهمن ۱۳۳۷)، در بغی محسوب کردن این عمل تردید نموده است، عنصر مادی جرم پیش‌بینی شده در این ماده نیز قیام مسلحانه می‌باشد که پیش‌تر در خصوص محسوب نکردن اسید به عنوان سلاح، به آن پرداخته شده است.

۵) لزوم بازنگری در قوانین اسیدپاشی

با توجه به این که اجرای حکم قصاص در رابطه با اسیدپاشی عملاً ممکن نیست و رویه قضایی که در محاکم وجود دارد نیز گویای همین مطلب است و قانون خاص اسیدپاشی مصوب ۱۳۳۷ نیز پاسخگوی نیازهای روز جامعه نیست، باید گفت که در این زمینه با خلأ قانونی مواجه هستیم. در این باره ابتدا باید آسیب‌شناسی کرد که علت افزایش این‌گونه

۱- برای توضیحات بیشتر رک: زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹.

جرایم چیست و سپس سیاست جنایی مناسب و درخور در خصوص آن اتخاذ گردد. این-گونه جرایم عمدتاً ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی دارند؛ یعنی به نظر می‌آید که این مسائل عمدتاً ناشی از عدم آموزش صحیح مجازات و توجه نکردن نظام‌های اجتماعی به خواسته‌ها و نیازهایی است که این‌گونه افراد دارند.

موضوع دیگری که به نظر می‌رسد مهم‌تر باشد، عدم اجرای صحیح قانون و خلأ قانونی است که باعث تجری افراد در ارتکاب این جرایم می‌شود؛ به این معنا که اگرچه طبق قانون مدنی، قوانین پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، لازم‌الاجرا هستند و اگرچه می‌گوییم که جهل به قانون، رافع مسؤولیت نیست اما به واقع باید پرسید که چند درصد از جامعه پس از انتشار قانون در روزنامه رسمی از مفاد آن مطلع‌اند؟ همچنین باید پرسید که چند درصد از افرادی که حتی از انتشار قانون مطلع‌اند، به لحاظ حقوقی و ماهیتی، به مفاد قانون و اعمال و تکالیف خود پی می‌برند؟ به عبارتی، هرچند ما برابر قانون، افراد را به دلیل انتشار قانون موظف به اجرای آن می‌دانیم اما باید مجلس قانونگذاری یا دستگاه قضایی، از طریق رسانه‌ها تلاش کنند که آگاهی مردم را نسبت به قوانین مصوب افزایش دهند که متأسفانه این مسأله در کشور ما بسیار کم اتفاق می‌افتد. اگر چنین اطلاع‌رسانی صورت نگیرد ممکن است که بسیاری از افراد، از مجازات مقرر در لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ آگاه نباشند و دست به چنین اقدامی بزنند؛ هرچند شاید به نظر برسد که در هر حال این عمل، ناهنجاری محسوب می‌گردد و تمامی افراد می‌بایست به آن آگاه باشند.

صرف‌نظر از این موضوع، باید گفت مجازاتی که ۶۰ سال پیش تعیین شده است قطعاً در مورد جرایم امروزی چندان کارآمد نیست و بدین صورت با یک خلأ قانونی مواجه می‌شویم. بهتر بود قانونگذار محترم، در خصوص این جرم خاص، با توجه به نیاز روز جامعه، در کنار تنقیح قوانین، این لایحه را نیز مورد بازنگری قرار می‌داد و تعریفی شفاف‌تر و مجازاتی شایسته‌تر با حال امروز جامعه پیش‌بینی می‌کرد.

به نظر می‌رسد که علت دیگر در این زمینه، عدم توانایی ضابطین دادگستری در اجرای مجازات چنین جرایمی است. اگر کسی موجب قطع یا از کار افتادن عضو فرد دیگری شود، یا باید بر اساس قانون سال ۱۳۳۷ حبس شود و یا باید بر اساس قانون مجازات اسلامی قصاص شود و چون امکان اجرای دقیق حکم وجود ندارد در عمل با خلأ

قانون و مجازات روبرو می‌شویم. در چنین مواقعی ممکن است که فرد پس از تحمّل حبس‌های طولانی مدّت نهایتاً با پرداخت دیه آزاد شود ولی عملاً مجنی‌علیه با چنین اقدامی، زندگی و آینده خود را از دست داده است. در صورت قصاص نیز وقتی اسیدپاشی واقع می‌شود نمی‌توان به همان نسبت و میزان، اسیدپاشی را در مورد اعضای بدن مرتکب انجام داد؛ در نتیجه عملاً امکان اجرای حکم وجود ندارد.

در خصوص ایجاد محدودیت برای خرید و فروش اسید نیز می‌توان ادعا کرد که به خاطر این که توانایی حل یک مشکل را در جامعه نداریم نمی‌توانیم از خرید و فروش کالاها جلوگیری کنیم؛ چنان که بسیاری از قتل‌ها با چاقو انجام می‌شود و خرید و فروش آن آزاد است؛ به عبارتی، وسایل ارتکاب جرم، دلیل وقوع پدیده مجرمانه نیست و اگر فرد با اسید نتواند مرتکب جرم شود با وسیله دیگری این کار را انجام می‌دهد. می‌توان این-گونه استدلال کرد که با توجه به این که مانع شرعی برای قصاص وجود دارد، باید حداکثر حبس را بدون تخفیف و تعلیق برای مرتکبان این جرم در نظر گرفت و در این مورد، رأفت اسلامی و تخفیف را باید حذف کرد که نیاز به ارسال لایحه از طرف هیأت دولت یا طرح، از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

۶) انگیزه ارتکاب جرم اسیدپاشی و علل و عوامل ارتکاب آن

انگیزه، در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه که کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۶، ص ۳۷). انگیزه بر خلاف محرک و پاسخ، قابل مشاهده نیست، بلکه باید آن را بر اساس تأثیری که بر ادراک، تفکر، احساس و رفتار بیرونی انسان می‌گذارد، تشخیص داد و وجودش را استنباط کرد (شاملو، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳)؛ بنابراین، انگیزه، گرایش ویژه یا گرایش رفتار (نسبتاً ثابت) زمانی است که به موقعیت بستگی ندارد؛ مانند انگیزه پیوندجویی و انگیزه پیشرفت. انگیزش، مجموع متغیرهای پیچیده ارگانیزمی و محیطی است که کنش آنها به فعالیت عمومی و جهت‌دار احساس و رفتار منجر می‌شود (خداپناهی، ۱۳۸۴، صص ۱۱ و ۱۲).

۶-۱) انتقام‌جویی عشقی

این نوع اسیدپاشی معمولاً در میان جوانان دیده می‌شود. دختر یا پسری که به فردی دل‌بستگی عشقی و عاطفی پیدا کرده است و احتمالاً ارتباطاتی نیز با یکدیگر داشته‌اند و

حالا طرف مقابل، وی را ترک کرده یا با دیگری طرح دوستی و آشنایی ریخته و یا ازدواج نموده است. در چنین مواردی انگیزه حسادت و انتقام‌جویی باعث اسیدپاشی روی قربانی می‌شود.^۱

۲-۶) انگیزه ناموسی

مواردی از اسیدپاشی گزارش شده است که به دنبال مزاحمت‌های ناموسی از طرف یک مرد برای خانمی پیش می‌آید که گاه به تجاوزات جنسی منجر می‌شود. در چنین حالتی خود قربانی یا فردی از طرف وی، اقدام به اسیدپاشی به فرد متجاوز می‌کند.^۲

۳-۶) انگیزه اخاذی و سرقت

در برخی از گزارشات پلیسی مشاهده شده است که برخی از زورگیران، با تهدید قربانیان خود به پاشیدن اسید روی آنها، اقدام به اخاذی و زورگیری می‌کرده‌اند.^۳

۴-۶) اختلافات خانوادگی

در مواردی، متعاقب اختلافات خانوادگی، فردی قربانی اسیدپاشی در منزل شده است. نمونه‌هایی از این موارد، پاشیدن اسید توسط شوهر روی همسرش یا پاشیدن اسید از طرف زن اول بر روی زن دوم شوهرش بوده است.

۵-۶) کینه‌های قدیمی

یکی از علل دیگر اسیدپاشی، کینه‌های قدیمی است که بعد از مدت‌ها باعث انتقام‌جویی می‌شود. موردی گزارش شده است که پسر جوانی به دلیل این که مدت‌ها قبل توسط هم‌کلاسی خود مسخره می‌شده است، بعد از چند سال روی صورت وی اسید پاشیده است. اقدام تأخیری به چنین امری به دلیل این است که فرد اسیدپاش شناخته نشود.^۴

یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم اسیدپاشی، نبود فرهنگ و آموزش کافی در

1- <https://rasekhoon.net/article/print-81562.aspx>.

2- <http://www.parsnaz.ir/acid-brides-father-suspicion-honor.html>.

3- <http://www.farhangnews.ir/content/96531>.

4- <http://www.mazandnume.com/fullcontent/30193>.

خصوص مرتکبین می‌باشد که این موضوع، ریشه در شیوه زندگی و رشد روانی این قبیل افراد دارد که در شخص مجرم نهاده شده و موجب بروز بسیاری از تخلفات و جرایم در سطح جامعه شده است (احدی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). طبق یک پژوهش، از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ در شهر تهران، فقر، کلاهبرداری، طلاق و ازدواج، مهم‌ترین دلایل اسیدپاشی‌ها بوده است. بیمارستان شهید مطهری تهران طی تحقیقاتی از خرداد ۱۳۸۳ تا مهر ۱۳۸۹، بر روی ۵۹ مورد، اسیدپاشی اعلام نموده است که ۵۱ درصد قربانیان اسیدپاشی مرد و ۴۹ درصد زن بوده‌اند و از این میان، پنج نفر از آنها کشته شده‌اند. همچنین بیشترین دلیل اسیدپاشی، خواستگاری ناموفق، رابطه خارج از چارچوب ازدواج و درخواست طلاق بوده است و عواملی مثل فقر، وضعیت بد اجتماعی و اقتصادی و کلاهبرداری مالی هم از دیگر عوامل شایع بوده‌اند. متأسفانه ۷۱ درصد قربانیانی که در این تحقیق بررسی شدند متأهل بوده‌اند. در عین حال، نیمی از زنان، هدف حمله شوهر یا بستگان دیگر قرار گرفته و بقیه آنها هدف افراد غریبه بوده‌اند.^۱ کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری در زمینه سیاست جنایی فرانسه، صد و پنج توصیه ارائه نموده است. تدابیر و اقدام‌هایی که بر اساس نتایج مطالعات و تحقیقات کمیته اتخاذ و اعمال شده، هم جنبه کیفری داشته است و هم جنبه پیشگیرانه. جهت‌گیری بسیاری از توصیه‌ها و تنوع پیشنهادها نشان از این باور کمیته دارد که به منظور کاستن از احساس ناامنی شهروندان، توجه جدی به کیفیت مادی و معنوی زندگی مردم، آسان‌سازی زندگی روزانه و متنوع کردن اوقات فراغت مردم و تضمین آینده شغلی جوانان و ... در کنار کنترل بزهکاری، اموری بسیار ضروری تلقی می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

یکی از عوامل ارتکاب جرم اسیدپاشی، اختلالات عصبی همچون افسردگی، اضطراب، وسواس، اختلال دو قطبی و اسکیزوفرنیا و ... می‌باشد؛ به طور مثال، شخص سادیسمی، از آزار دادن دیگران احساس لذت می‌کند (آیزنک، ۱۳۸۷، ص ۳۳)؛ لذا گاهاً شخصی که دارای این قبیل بیماری‌ها می‌باشد از پاشیدن اسید بر روی دیگری و دیدن صحنه زجر کشیدن او حس رضایت می‌کند. دسترسی آسان به مواد اسیدی و خوردن نیز از جمله این موارد می‌باشد. امروزه در کشور، تولید، خرید و فروش انواع اسید آزاد است و هیچ‌گونه

1- shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx.

محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. طبق تحقیقات نگارنده، به طور مثال یکی از آزمایشگاه‌های تولید مواد شیمیایی در تهران، اسید سولفوریک آزمایشگاهی آرت ۱۰۰۷۱۳ با غلظت ۹۸ درصد را به قیمت لیتری ۷۵/۰۰۰ تومان عرضه می‌کند و هرکس، از جمله اشخاص حقیقی و حقوقی، از آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس گرفته تا فعالان معادن طلا و مس و طلاسازها و ... می‌توانند به سادگی این قبیل مواد خورنده را خریداری کنند. طبق تحقیق میدانی نگارنده، فروشندگان اسید در بازار ناصرخسرو، چه خرده فروش و چه عمده فروش، هیچ نوع نامه و بخشنامه‌ای برای عدم فروش یا درخواست مجوز برای فروش در اختیار ندارند. به گفته آنها، تنها نامه‌هایی که برایشان می‌آید، مواظبت در مقابل آتش‌سوزی است و به همین دلیل می‌خواهند محل فروش مواد شیمیایی را از ناصرخسرو به بیرون شهر منتقل کنند. به نظر می‌رسد که قانونگذار باید قانونی وضع کند که دسترسی آسان به اسید یا هرگونه مواد شیمیایی خورنده را محدود کند و تولید، توزیع، استفاده و فروش آن کنترل شود که در این زمینه شرکت‌های تولیدکننده نیز می‌توانند به مبارزه با اسیدپاشی کمک کنند.

طبق یک پرونده اسیدپاشی که در تاریخ هشتم آذر سال ۱۳۹۳ رخ داده و مجنی علیه آن، مدیر بیمارستان ضیائیان تهران بوده است، بازپرس پنجم دادرسی جنایی تهران، قرار بازداشت موقت عاملان اسیدپاشی را به منظور انجام تحقیقات بیشتر صادر کرد. متهمان پرونده، به قرار بازداشت صادر شده اعتراض کردند تا موضوع در شعبه ۱۱۴۲ دادگاه کیفری دو استان تهران مورد بررسی قرار گیرد؛ در نهایت دادگاه، اعتراض متهمان را وارد دانست و پرونده دوباره به شعبه پنجم دادرسی جنایی بازگشت. شعبه دادرسی جنایی تهران نیز برای عاملان این اسیدپاشی، قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی صادر کرد و متهمان پرونده با تودیع مبلغ وثیقه صادر شده، آزاد شدند.^۱

به نظر می‌رسد که با توجه به لزوم بازداشت موقت مطابق جرایم احصا شده در ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک و پیش‌بینی شرایط لازم جهت صدور این قرار در ماده ۲۳۸ همان قانون، می‌بایست در تمامی موارد اسیدپاشی، مرتکبین را تا صدور رأی نهایی دادگاه، در بازداشت قرار داد؛ زیرا این عمل مجرمانه وحشیانه، در اکثر مواقع یا شاید تمامی مواقع، امنیت

1- <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/21>.

جامعه را برهم می‌زند و با توجه به حالت خطرناک این مجرمین، همواره بیم این می‌رود که آزاد بودن آنها نظم عمومی را مختل کند یا جان شاکی یا شهود یا خانواده آنان یا خود متهم به خطر افتد؛ لذا با جمیع شرایط، آزادی مرتکبین اسیدپاشی با هر نوع قرار تأمینی به صلاح عموم جامعه نمی‌باشد و عدم سختگیری در خصوص این جرم، موجب تجری مجرمان بالقوه خواهد شد.

۷) مفهوم پیشگیری از جرم اسیدپاشی و انواع آن

پیشگیری در یک معنای عام، عبارت است از تمامی اقداماتی که از وقوع بزه جلوگیری می‌کند. به عقیده شرمز، هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده است، می‌تواند پیشگیرانه قلمداد شود. یک محقق کانادایی، در سال ۱۹۹۸ تعریف پیشگیری را دارای سه مؤلفه زیر عنوان نموده است: الف) هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر یکی از عوامل فرایند کیفری است؛ ب) بعد جمعی دارد (پیشگیری در یک محله خاص یا ...؛ ج) شامل اقدام پیشگیرانه غیر قهرآمیز و غیر کیفری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲۱).

بر اساس تعریف ریمند گسن از پیشگیری از جرم در سال ۲۰۰۲، پیشگیری از جرم، مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیر قهرآمیزی است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال و وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود. در این تعریف، اقدام پیشگیرانه اقدام غیر قهرآمیزی است که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود؛ در واقع، پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا علت‌شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱).

این نوع پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. به اعتقاد گسن، به این نوع پیشگیری به این دلیل پیشگیری اجتماعی گفته می‌شود که حاصل تجربیات پیشگیری مددکاران اجتماعی بدون مداخله بحث‌های پلیس و دادگستری و معطوف به مبارزه با ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط رشد آنان است (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱). یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و اصولاً برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی شده است. تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها برای تفریح، تأسیس

مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی، گسترش تجهیزات و تدابیری چون باشگاه‌های ورزشی جوانان و پروژه‌های مبتنی بر فعالیت‌ها در جهت منصرف کردن مجرمان بالفعل و بالقوه از خطاهای آینده، از مصادیق این نوع پیشگیری می‌باشد (هیوز، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

۱-۷) پیشگیری وضعی از جرم اسیدپاشی

پیشگیری از جرم با دیدگاه جامع، یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است و عبارت است از تعیین مؤثرترین وسایل و راه‌ها برای تأمین پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی در مقیاس جامعه یا جمعیتی محدودتر مانند یک شهر یا محله، بدون توسل به وسایل ارباب کیفری. هر عملی که باعث کاهش بزهکاری، خشونت و ناامنی از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی شود، پیشگیری از جرم نامیده می‌شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۹).

پیشگیری وضعی، عبارت است از اقدامات معطوف به آشکال بسیار خاص جرم که متضمن مدیریت، طراحی یا دستکاری محیط به طور مستقیم، نظام‌مند و دائمی به منظور کاستن از فرصت‌های جرم است، به طوری که توسط اکثریت مجرمان، ادراک و فهم شود (پروین، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷). این نوع پیشگیری به عنوان راهکار جدید پیش‌گیرنده از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم، در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط رونالد کلارک و همکارانش مطرح و نظریه‌پردازی شده است. در برنامه‌های پیشگیری وضعی، ابتدا موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری و آماج‌های بالقوه شناسایی می‌شوند. پس از آن، با اتخاذ فنونی سعی می‌شود تا از به فعلیت درآمدن این وضعیت بالقوه جلوگیری شود. هدف این است که بهای عمل مجرمانه، بیش از سود حاصل از آن شود تا بر اساس اصل حسابگری و با افزایش هزینه‌ها و پایین آوردن سودها، از جذابیت رفتارهای کیفری کاسته و فرد را از ارتکاب جرم منصرف نماید (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۴۲). پیشگیری وضعی، بر موقعیت، وضعیت و فرصت تکیه دارد و از طریق حذف موقعیت‌های دارای خطر جرم، از آن جلوگیری می‌کند. به این منظور، از طریق اقدامات غیر کیفری در شرایط محیطی و فردی، دخالت کرده و با اصلاح و تغییر آن، فرصت ارتکاب جرم را از مجرم گرفته و بر تصمیم ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. این پیشگیری، در پی متعالی کردن جامعه و نهادهای

آن نیست، بلکه با کاهش دامنه بزهکاری در صدد ایجاد امنیت است (Eugene & Muncie, 2001, p. 263).

در خصوص پیشگیری وضعی نیز یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های آن، موقعیت‌مدار بودن آن است که بر پیشگیری وضعی مترتب می‌شود. به نظر برخی از جرم‌شناسان، رویکرد وضعی فقط در خصوص جرایمی قابل اعمال است که فرصت‌مدار یا به تعبیری موقعیت‌مدار هستند؛ در حالی که بسیاری از جرایم شدید و خشونت آمیز، بیش از آن که فرصت‌مدار باشند، تابع احساسات و کشش‌های درونی‌اند که جرایمی مثل اسیدپاشی از این دسته هستند؛ چراکه اقدامات پیشگیری وضعی فقط آماج‌ها یا موضوعاتی را شامل می‌شود که در عالم خارج و به شکل ملموس وجود داشته باشد و در خصوص آماج‌های معنوی، مانند شخصیت و یا حق طبع، راهکاری را عرضه نمی‌کند (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶).

۷-۲) پیشگیری اجتماعی از جرم اسیدپاشی

پیشگیری اجتماعی، به تدابیر و اقدامات پیشگیرانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف از آنها حذف و یا خنثی نمودن سلسله عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم می‌باشد. این نوع پیشگیری مشتمل بر اقداماتی است که با هدف اجتناب از ارتکاب اعمال مجرمانه توسط افراد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر شخصیت افراد اثر می‌گذارد (گسن، ۱۳۷۶، ص ۶۷)؛ به دیگر سخن، این نوع از پیشگیری شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه‌ای است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عوامل اجتماعی است که در تشکیل و پیدایش جرم تأثیرگذار است.

از یک نگاه دیگر، پیشگیری اجتماعی به مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه‌ای گفته می‌شود که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرآیند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می‌گذارد. این روش پیشگیری از جرم، با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید. در حقیقت، پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم، هدف تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازماندهی فعالیت خود حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۸۵). راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم، به توسعه اقتصادی، کار و کسب امن و کاهش خسارت اخلاقی و مادی ناشی از جرم کمک می‌کند. هزینه اقدامات پیشگیری از جرم باید

به عنوان سرمایه‌گذاری تلقی شود و بازگشت این سرمایه از طریق بهبود امنیت عمومی متجلی می‌شود (Ministry of Justice of Hungary, 2003, p.3).

در صورتی که انجام اعمال خلاف و ناهنجاری‌های اجتماعی و ارتکاب جرم، توسط نهادهای ذی‌ربط و مسؤول با پیش‌بینی سیاست‌های جنایی درخور با در نظر گرفتن بودجه کافی، به صورت امری قبیح نمایان گردد می‌تواند از در معرض جرم واقع شدن اطفال، کودکان یا اشخاصی که در ارتکاب جرایمی همچون اسیدپاشی، مجرمین بالقوه محسوب می‌شوند در آینده جلوگیری کند. عملاً بلافاصله پس از سال‌های نخستین زندگی، اگر مداخله به جای این که خود را به علائم و نشانه‌های مشکلات رشدی محدود کند، علل آن را مورد هدف قرار دهد، بسیار سودمندتر خواهد بود (هاستینگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴).

قضاوت

نتیجه

جرم‌انگاری اسیدپاشی، به دلیل تبعات ناگواری که بر جسم و روح مجنی‌علیه و نظم و امنیت جامعه دارد امری اجتناب‌ناپذیر است. این فعل مجرمانه که جرمی مطلق می‌باشد ممکن است که موجب صدماتی همچون مرض دائمی، فقدان یکی از حواس، قطع یا نقصان یا از کار افتادگی عضوی از اعضا و هرگونه جراحت یا سوختگی یا دیگر صدمات بشود یا نشود. ارتکاب این شکل از جرم، تنها به صورت عمدی می‌باشد و انگیزه‌های مختلفی چون انتقام‌جویی، اخاذی و ... را می‌تواند در پی داشته باشد و ممکن است به دلایلی نظیر اختلالات عصبی و روانی، فقر فرهنگی و مادی اتفاق بیفتد. در عین حال، در اکثر مواقع عاملین این عمل، در نتیجه نظریه «یادگیری»، این عمل را فراگرفته و با توجه به در دسترس بودن آن، با انگیزه‌های مختلف دست به ارتکاب آن بزنند. این جرم وحشیانه می‌تواند قصاص، دیه، تعزیر و حد افساد فی الارض را حسب مورد در پی داشته باشد.

می‌توان ادعا کرد که اسیدپاشی در اکثر موارد وقوع، واکنش هیجانی درون خانوادگی و یا مربوط به ازدواج و یا کینه‌های قدیمی بوده که عموماً در پی دریافت پاسخ منفی از طرف دختر مورد علاقه صورت گرفته است. اکثر مجنی‌علیه‌های این جرم فجیع، خانم‌ها هستند که عموماً نقطه حساس شخصیت آنها را که زیبایی است مورد آسیب قرار می‌دهد و بدین صورت، کسانی که از اسیدپاشی جان سالم به در می‌برند زمینه را جهت بروز مشکلات و ناهنجاری‌های روانی پیدا می‌کنند. در کنار این موارد، در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که برخی از زورگیری‌ها نیز با تهدید به اسیدپاشی صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد که صرف پیش‌بینی مجازات اعدام در قانون اسیدپاشی، دلیل محکمی برای نسخ آن نیست. تلاش در جهت تصویب قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، خود اماره‌ای است بر این مدعا. همچنین در خصوص شروع به جرم این فعل مجرمانه می‌بایست همان قانونی را که خاص می‌باشد مطمح نظر قرار داد و این امر مغایرتی با قانون مجازات اسلامی ندارد. همچنین مجازات تعزیری آن، همچنان پابرجا است ولی مجازات‌های شرعی مانند قصاص و دیه را نیز می‌توان بر این عمل بار کرد. در کنار حدود نیز به تشریح بیان شد که مطابق قانون جدید، امکان ارتکاب جرم محاربه و بغی توسط اسیدپاشی، محال است ولی با جمیع شرایط می‌توان اسیدپاش را مفسد فی الارض شناخت

که این خود یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی است؛ هرچند که در مبانی فقهی آن تردید وجود دارد. در صورتی که عمل اسیدپاشی منجر به ضایعاتی شود که در ماده ۶۱۴ ق.م.ا به آن اشاره شده است، با توجه به تفسیر مضیق می‌بایست همین ماده را مناط قرار داد و قضات بر اساس همین ماده حکم صادر کنند.

از دیگر سو، به نظر می‌رسد که در کشور ما با تمام تلاش‌هایی که در خصوص پیشگیری وضعی و اجتماعی از این جرم صورت گرفته است اما این تمهیدات به حدّ کفایت نبوده و نتوانسته است در حدّ رضایت، از آمار ارتکاب این جرم بکاهد. از عوامل افزایش جرم اسیدپاشی در جامعه، در دسترس بودن این ماده شیمیایی و ارزان بودن آن است؛ لذا بر لزوم نظارت جدّی و سختگیرانه بر نحوه فروش اسید در کشور می‌بایست جدّی‌تر بود و نظارت بیشتری بر خرید و فروش آن توسط مسؤولان قضایی صورت پذیرد. با توجه به آموزه‌های پیشگیری اجتماعی و رشد مدار، لزوم تربیت صحیح کودکان و جوانان، الگوسازی مناسب برای این قشر، دور نگهداشتن آنها از تنش‌ها و درگیری‌های خانوادگی، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، بیکاری، خشونت و ... می‌تواند با تأثیرگذاری بر شخصیت افراد، انجام رفتارهایی مانند اسیدپاشی را به حداقل برساند. صرف جرم‌انگاری این پدیده، هر قدر هم که مجازات سنگینی برای آن پیش‌بینی شود، بدون تمهیدات پیشگیرانه، امری ناصحیح به نظر می‌رسد. لزوم فرهنگ‌سازی، فقرزدایی، نظارت بیشتر ضابطین، تخصیص ردیف بودجه کافی، آموزش همگانی، لزوم تربیت صحیح کودکان در حال رشد و ... امری ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- آقای نیما، حسین؛ *جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- ۲- آیزنک، مایکل؛ *مبانی شناخت انسان*، ترجمه ب. کوشا، چاپ اینترنتی، ویرایش اول، ۱۳۸۷.
- ۳- ابراهیمی، شهرام؛ *رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن*، آموزه‌های حقوقی، (فصلنامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۸۸.
- ۴- احدی، محسن؛ *روانشناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی و پیری)*، نشر آینده درخشان، ۱۳۹۴.
- ۵- افراسیابی، محمداسماعیل؛ *حقوق جزای عمومی*، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۸.
- ۶- ایمانی، عباس؛ *فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری*، نشر آریان، ۱۳۸۲.
- ۷- بابایی، علی؛ *چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰.
- ۸- پروین، ستار؛ *پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره یک، ۱۳۸۰.
- ۹- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛ *اسیدپاشی*، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۴.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، گنج دانش، ۱۳۸۸.
- ۱۱- *الحر العاملی، وسائل الشیعه (الاسلامیه)*، جلد ۷، ابواب احکام شهر رمضان، باب دوم، احادیث ۱ و ۲، ۱۴۱۴ق.
- ۱۲- خدایپناهی، محمدکریم؛ *انگیزش و هیجان*، سمت، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۳- دادستان، پریخ؛ *روانشناسی جنایی*، سمت، ۱۳۹۰.
- ۱۴- رحیمی اصفهانی، عباسعلی؛ سلیمانی، مصطفی و روحانی، مهدی؛ *مجموعه جرایم و مجازات‌ها*، اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.

- ۱۵- صدر سیدجوادی، احمد؛ فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین و یوسفی اشکوری، حسن؛ *دایرة المعارف تشیع*، جلد ۶، نشر محبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۶- شاملو، سعید؛ *آسیب‌شناسی روانی*، رشد، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۷- عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی عمید*، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۸- کاوه، محمد؛ *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*، جلد اول، نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
- ۱۹- کلارکسون، سی.ام.وی؛ *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، انتشارات معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲۰- گرچی، ابوالقاسم؛ *حدود، تعزیرات و قصاص*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۱- گسن، ریموند؛ *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۷۶.
- ۲۲- گسن، ریموند؛ *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، سمت، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۳- گلدوزیان، ایرج؛ *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، نشر میزان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۴- گلدوزیان، ایرج؛ *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، میزان، تهران، ۱۳۹۲.
- ۲۵- لازرژ، کریستین؛ *درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا (دیباجه ویراست سوم)*، درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
- ۲۶- ماکرانی، اویس؛ *بررسی علل بروز جرم اسیدپاشی از منظر قانون و جامعه*، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر، اردیبهشت ۱۳۹۱.
- ۲۷- محمودی، افسانه؛ *حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲.
- ۲۸- میرمحمدصادقی، حسین؛ *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، نشر میزان، ۱۳۹۴.

- ۲۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، ۱۳۷۷.
- ۳۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *پیشگیری از جرم، تقریرات دوره کارشناسی ارشد* دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- ۳۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *پیشگیری عادلانه از جرم، مندرج در علوم جنایی* (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار، تازه‌های علوم جنایی*، میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۳۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *میزگرد پلیس محلی، ماهنامه امنیت وزارت کشور*، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۴- وایت، راب و هینز، فیونا؛ *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵.
- ۳۵- هاستینگ، رس؛ *پیشگیری از جرم از طریق رشد اجتماعی*، ترجمه جاویدزاده، مجله امنیت، شماره ۹، سال چهارم، ۱۳۷۹.
- ۳۶- هیوز، گوردون؛ *پیشگیری از جرم*، ترجمه علیرضا کلامی و محمدتقی جغتایی، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

ب) منابع خارجی

- 37- Bárándy, Péter, Minister of Justice of Hungary, paid an official visit to Canada on May 20-24, 2003.
- 38- McLaughlin, Eugene & Muncie, John, *The Sage Dictionary of Criminology*, Sage Publications, 2001.

ج) سایت‌ها

- 39- <http://www1.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100955733191>.

- 40- www.bbc.com/persian/science/2014/.../141019_acid_trowing.
- 41- <https://rasekhoon.net/article/print-81562.aspx>.
- 42- <http://www.parsnaz.ir/acid-brides-father-suspicion-honor>.
- 43- <http://www.farhangnews.ir/content/96531>.
- 44- <http://www.mazandnume.com/fullcontent/30193>.
- 45- <http://khabarfarsi.com/search?page=2&or=>.
- 46- <http://www.shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx>.

قضاوت

A Study on the Offence of Acid Spraying and Iranian Criminal Policy Regarding this Offence and Solutions for the Prevention (According to Islamic Criminal Code 2013)

MohammadReza Zandi*

Saleh Ojaghlou**

Received:7/5/2016

Accepted:14/8/2016

Abstract:

One of the most heinous offences is acid spraying on the persons. It may be committed for different motives. This action has been criminalized by the bill regarding acid spraying of 1961. With regard to abrogation of the mentioned law, some believe that Islamic Punishment Law abrogated the legal bill of acid spraying, but some believe that this law is still enforceable because it is a special legislation. The offence of acid spraying may have different punishments like Qisas (blood vengeance), Dia (blood money), Tazir (discretionary punishment awarded by judge) and punishment for corruption on earth, but according to Islamic Punishment Law ratified in 2013, it can not be put under the title of insolence or banditry. For attempt of this offence the legal bill of acid spraying should be considered. Along with criminalization of this action, some preventive measures and arrangements like enacting and social prevention must be implemented which according to the published statistics our country seems to have an undesirable condition in this regard.

Key words: Acid spraying, Attempt of acid spraying, Corruption on earth, Temporary detention.

*Assistant Professor at Law Faculty of Central Tehran Branch of Islamic Azad University.

Dr.z.cyber@gmail.com

**Ph.d Student of Criminal Law and Criminology at South Tehran Branch of Islamic Azad University.

st_s_ojaghlou@azad.ac.ir